

مردم سالاری دینی واقعا موجود

حکومت دینی در ایران با وجود ضدیت ژرفی که نسبت به مدرنیته و اندیشه های غربی از خود نشان داده است در تهیه قانون اساسی ناچار شد بسیاری از هنجارهای پذیرفته شده از سوی جامعه بشری را بپذیرد. از انجمله می توان به مراجعه به آرای مردم، تفکیک و استقلال قوا و... اشاره نمود. افزون برین مصلحت های سیاسی و بین المللی ایجاب کرده است که حکومت گران اسلام گرا دست به گفتن سازی زنند و " مردم سالاری دینی " را بعنوان راه سومی از کشور داری ارائه دهند که بگفته پایه گذاران آن در شکل مردم سالاری (دمکراتیک) و در محتوا دینی است.

دمکراسی سیاسی

مردم سالاری که ترجمه دمکراسی به فارسی است دارای تعریف های گوناگونی است. یکی از تعریف هایی که بیشتر از سوی صاحب نظران علوم اجتماعی پذیرفته شده است نظریه دال (Robert A. Dahl) است که پاسخگو بودن دولت نسبت به خواسته های شهروندان را ویژگی دمکراسی به شمار می آورد. لازمه پاسخگویی این است که شهروندان بتوانند:

- از فرصت تدوین خواسته های شان برخوردار باشند.

- این خواسته ها را به صورت فردی و یا جمعی به اطلاع دولت یا دیگران برسانند.

- خواسته ها به راهبرد امور دولت تبدیل شوند. سه مورد بالا به نوبه خود به ضمانت های نهادین زیر وابسته اند:

۱ - آزادی تشکیل و پیوستن به سازمان ها

۲ - آزادی بیان

۳ - حق رأی

۴ - برخورداری از حق انتخاب شدن

۵ - حق رهبران سیاسی برای شرکت در رقابت های انتخاباتی

۶ - آزادی رسانه ها و منابع اطلاعاتی

۷ - انتخابات آزاد و منصفانه

۸ - وابسته بودن نهادهای راهبردی دولتی به رأی و خواسته های مردم

هشت شرط بالا، سه ویژگی اصلی دمکراسی سیاسی یعنی رقابت، مشارکت و آزادی های مدنی و سیاسی را پوشش می دهند. از این روی، دمکراسی سیاسی را می توان نظامی در نظر گرفت که شرایط زیر را شامل گردد:

۱- برگزاری انتخابات که با رقابت کامل میان افراد یا گروه های متشکل (بویژه احزاب سیاسی) برای در دست گرفتن دولت، که بصورت متناوب و بدون بهره گیری از زور صورت می گیرد

۲- مشارکت سیاسی غیر تبعیضی رهبران سیاسی، حداقل از راه انتخابات منصفانه و آزاد، بصورتی که هیچ گروه و یا فردی حذف نگردد

۳- آزادی سیاسی و بیان، آزادی رسانه ها، آزادی تشکیل احزاب و گروه ها حد اقل در حدی که نشان دهد که سلامت رقابت و مشارکت سیاسی محفوظ مانده است.

مردم سالاری دینی

مردم سالاری دینی برپایه خوانش دینی صاحب‌نظران اسلامی، مفاهیم گوناگونی پیدا کرده است. اسلام سیاسی در ایران که بر محور نهاد ولایت فقیه بنا شده است آرا و خواست مردم را تنها بصورت مشروط و بصلاح‌دید ولی مطلقه مورد توجه قرار می‌دهد. آقای مرتضی مطهری یکی از نظریه پردازان جمهوری اسلامی که به آیت الله خمینی بسیار نزدیک بود و به نهاد ولایت فقیه نیز باور داشت کوشیده است، نظریه مردم سالاری دینی را با تهمت زنی به دموکراسی غربی جلا دهد. وی آزادی فردی در دموکراسی غربی را "آزادی شهوات" و "حیوانیت رها شده" می‌نامد. به باور وی "ارزش نهادن به رأی مردم و معتبر بودن آن البته در چهار چوب احکام شرعی و قوانین الهی." قابل پذیرش است.

آیت الله مصباح یزدی که آرا مردم را تزئینی به شمار می‌آورد و آنرا تنها موجب "مقبولیت" حکومت می‌داند، به آرا و خواست مردم تنها در چهار چوب شریعت و ایدئولوژی اسلامی اهمیت می‌دهد. وی در این مورد باور دارد که "مردم سالاری دینی، مشارکت مردم در سرنوشت خود در راستای مزامین الهی است."

آیت الله خامنه ای در جایگاه ولی مطلقه فقیه، با توجه به گرایش‌های غرب ستیزی اش دموکراسی غربی را "ظالمانه" می‌خواند و "انتخاب قانونگذاران و مجریان" را بدون اشاره به نقش شورای نگهبان در حذف غیرخودی‌ها و دخالت نیروهای نظامی امنیتی در مهندسی انتخابات، مردم سالاری دینی به شمار می‌آورد.

در برابر محمد مجتهد شبستری در رابطه با مردم سالاری دینی از جمله به سه نکته اشاره می‌کند. یکم، وی باور دارد که مردم سالاری برخلاف ادعای بسیاری از بنیادگراها پدیده‌ای تازه است و "حتی مبانی تئوریک و ارزش‌هایش" از دیگران گرفته شده است. دوم آنکه به باور وی "می‌توان ارزش‌های مردم سالاری را گرفت و در فرهنگ اسلامی جذب کرد" و سوم آنکه دینداران برای دست‌یابی به مردم سالاری، بجای محدود کردن آن با احکام دینی باید "مبانی و ارزش‌ها و اخلاق ضروری برای شکل‌گیری مردم سالاری را جذب کرده، بپذیرند و آن را داخل سیستم ارزشی کنند." وی شرط ماندن تفکر دینی در عصر جدید را بازنگری دائم در ارزش‌هایش میدانند و می‌نویسد: "تفکر دینی همیشه احتیاج به بازسازی متناسب با ارزش‌ها دارد."

مردم سالاری واقعا موجود

۳۵ سال از تاریخ جمهوری اسلامی می‌گذرد که بر پایه ادعای اسلام‌گراها مبنای کشور داری اش بر مردم سالاری دینی استوار است. این کشور بر پایه ۲۰۱۳ خانه آزادی از بابت دسترسی به اطلاعات از راه اینترنت در رتبه پائین‌تر از عربستان سعودی، سوئد، پاکستان و اتیوپی قرار گرفته است.

این تشکل ایران را از نظر حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی در ردیف غزه، امارات متحده عربی، تاجیکستان و یمن سنجیده است. تنها کشورهای کره شمالی، سوریه، سومالی، عربستان سعودی، تبت و تاجیکستان وضعیت بدتری از جمهوری اسلامی داشته‌اند.

مقامات جمهوری اسلامی سنجش نهادهای حقوق بشری و غیر انتفاعی کشورهای غربی از وضعیت آزادی‌های سیاسی، دست‌رسی به اطلاعات آزاد، روزنامه‌نگاری و انتخابات آزاد و منصفانه را بی‌اعتبار و مغرضانه خوانده‌اند. اکنون به بینیم اصولگرایان از فساد ناشی از عدم نظارت جامعه مدنی و روزنامه‌نگاری مستقل بر نهادهای حکومتی و فضای امنیتی موجود چه می‌گویند:

- احمد توکلی نماینده تهران در باره **فساد دستگاه‌های حکومتی** گفته است "ما به مرحله فساد سیستماتیک رسیده ایم" به باور وی: "فساد سیستماتیک به مرحله‌ای از فساد اطلاق می‌شود که نهادهای مسئول مبارزه با فساد خودشان به درجاتی از فساد مبتلا هستند مثل قوه قضائیه، نیروی انتظامی، مجلس، بازرسی کل کشور، به عبارتی پاک پاک نیستند."

- آقای مطهری بتازگی در مصاحبه با سالنامه روزنامه اعتماد گفته است: «همیشه فضایی ایجاد شده است که دست و بال نماینده بسته است که اگر این حرف را بزنیم بعداً پرونده بر ایمان درست می‌شود، بعداً رد صلاحیت می‌شویم و از این نوع نگرانی‌ها.» همین نماینده در ادامه گفته است که نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز "از برخی نهادها مانند شورای نگهبان و وزارت اطلاعات هراس دارند.»

- وی در باره فضای امنیتی در کشور افزوده است "متأسفانه در سال‌های اخیر یک فضای رعب و وحشتی ایجاد کردند که حتی برخی از مراجع سخن گفتن را دیگر صلاح نمی‌دانند." و "دو سه باری که برخی مراجع در اعتراض به وضع موجود سخن گفتند گروه‌های سازماندهی شده به در منازل یا دفاترشان رفتند و در و شیشه شکاندند و شعار 'مرجع بی‌بصیرت' دادند. این عوامل، بازدارنده است و برخی مراجع صلاح نمی‌دانند که در این فضا هزینه بدهند.»

- بتازگی قوه قضاییه اعلام کرد که یاران آیت الله مصباح یزدی در پرونده توهین و حمله به رئیس مجلس در سخنرانی وی در ۲۲ بهمن سال ۱۳۹۱ در قم تبرئه شده‌اند. این در حالی است که در گزارش اصل نود مجلس که از سوی اصولگرایان تهیه شده است گفته شده "اینها [مهاجمان] یک گروه خلع‌الساعه نیستند، اینها یک گروهی هستند که سال‌ها تشکیل شده‌اند و متشکل هم هستند و در جاهای مختلف حضور پیدا می‌کنند." ناظران باور دارند که ظاهراً این رویداد و تبرئه حلقه مصباح دارای پیام روشنی به اصولگرایان سنتی است. این پیام اینست که نافرمانی احتمالی از ولی مطلقه فقیه نابخشودنی است و جناح تندرو و نیروهای امنیتی نظامی آنرا بر نمی‌تابند.

۲۸ اسفند ۱۳۹۲